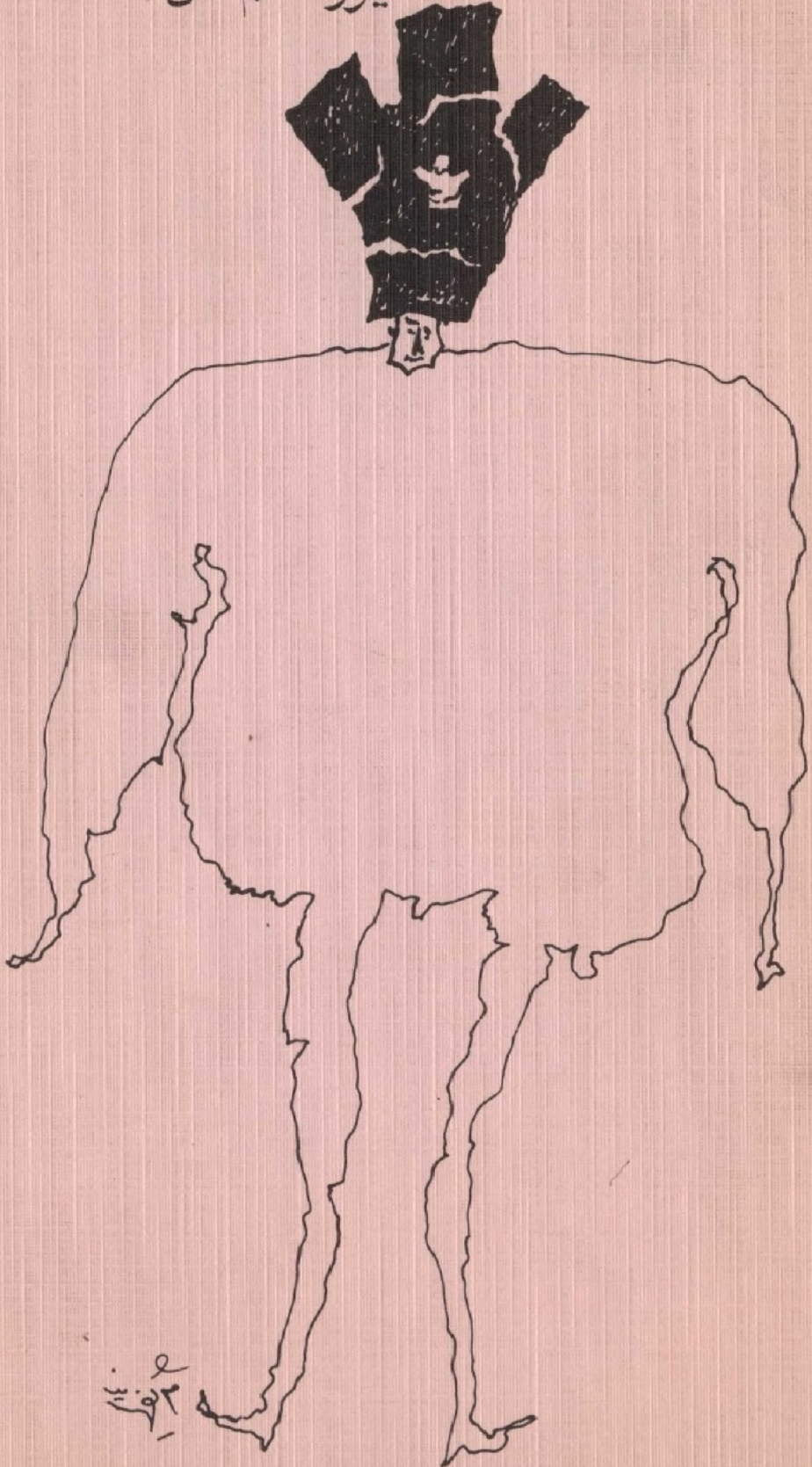


# اصول مذهب دیوانیان

میرزا ملکم خان

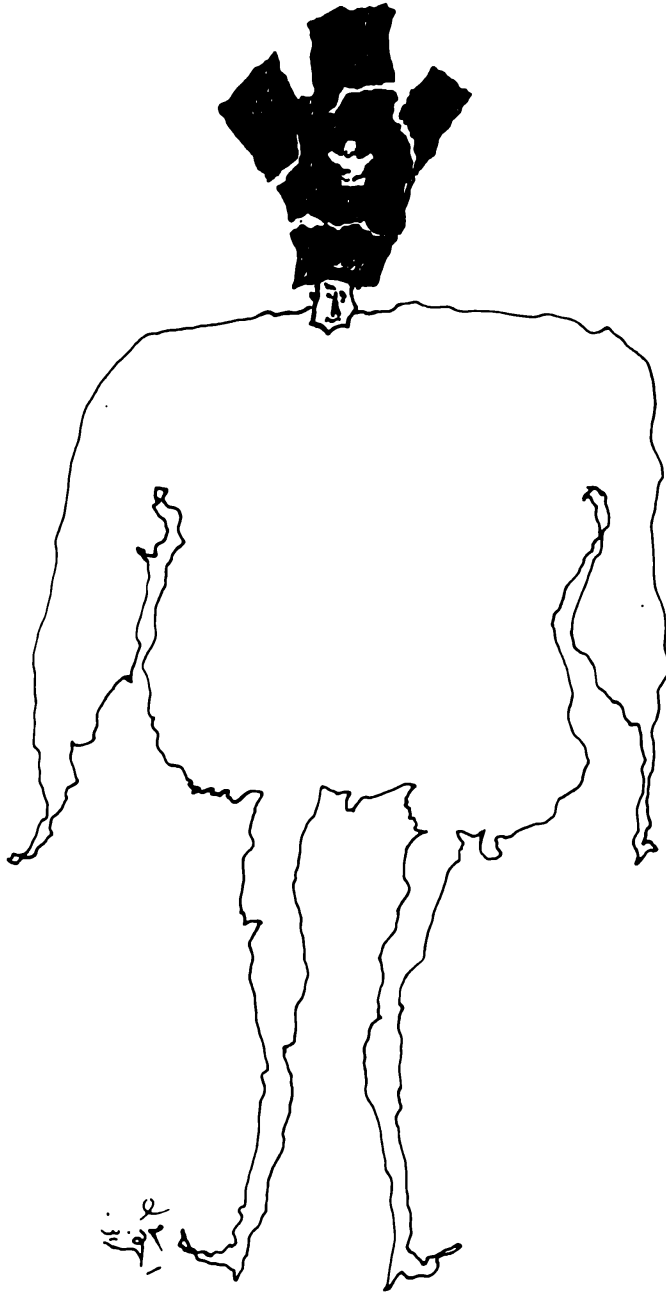


۱۸۴۸



# اصول مذهب دیوانیان

میرزا ملکم خان





خداوند عالم خاک ایران و اهل ایران را از برای چه آفریده  
است؟

— از برای اینکه به چند نفر الواط بی دین خوش بگذرد .

اسم مبارک این الواط چیست؟

— اولیای دولت علیّه ایران .

این اولیای شریف به چه هنر صاحب چنان امتیاز شده‌اند؟

— به هنر اینکه ایران را فقیرتر و ذلیل‌تر و خراب‌تر از هر نقطهء  
روی زمین ساخته‌اند .

از برای پیشرفت چنان ماء موریت مقدس باید صاحب چه فضایل  
باشند؟

– اولاً " باید از هیچ نوع رسوایی ابداً " خجالت نکشند .  
ثانیا " باید از روی صدق و ایمان دشمن معرفت و مروج منتهای  
قرمساقی باشند  
ثالثاً " باید خود را به حدی بی غرض بسازند که از روی انصاف  
آن ردلی ، که بر حسب پستی ذاتی و به حکم شرافت جنون بر  
همهء ایشان مرجح باشد ، او را شخص اول قرار بدهند .

**تکلیف چنان وجود بزرگ چه باید باشد؟**

– باید در این ملک آنچه آدم آبرومند و صاحب شعور هست ،  
همه را بدنام و منکوب و به هر قسم شناعة تا به هرجاتعاقب  
و فانی نماید .

باید برادران و اقوام و جمیع منسوبان خود را علی الخصوص  
آنها که نالایق تر هستند بر دور سلطنت طوری سوار کار بسازد و  
جمیع لوازم زندگی ملوکانه را چنان به ید قدرت خود بگیرد ، که  
ذات همایون نتواند ، بدون اجازهء او نه قدمی بردارد و نه  
نفسی بکشد .

باید جمیع ولایات و مناصب و نشانها و القاب و کل حقوق ملت  
را به وضعی که از آن قبیح تر نباشد ، حراج نماید . و در آن  
ضمن تمام ایران را به هر قسم شقاوت سراسر به چا پدو هر شب  
یک قسمت کثیف غارت خود را به دهن شاهنشاه ایران پرور  
بیندازد .

چون لفظ نظم و عدالت و قانون از برای رونق این وضع مبارک سم قاتل است، باید هر کس اسم قانون و کلمه آدمیت به زبان آورد، اورایی ناموس و کافر و خائن ملت و واجب القتل بداند. باید از هیچ فضاحی خارجه، و از هیچ رسوائی داخله ابدا " باکی نداشته باشد. اما از رنگ جریدهء قانون مثل اسافل حلاج یهودی بلرزد.

این شخص بزرگوار دیگر چه نوع فضیلت باید داشته باشد؟

– باید هر بدبختی که یک پارچه ملک یا جزئی اعتباری داشته باشد، اورا به هزار وعدهء دروغ و به آئین آن قسم گوش ببری که به اصطلاح دیوان، تقدیم حضور می گویند، برهنه بکند. و بعد به یک پارچه کاغذ کثیف که اسم آنرا فرمان جهان مطاع گذاشته اند، اورا حاکم یک خرابه قرار بدهد، و پس از چند روز به افتضاح تمام معزول و به جای او یک احمق دیگر پیدا نماید.

به جهت مزید شکوه سلطنت شاهنشاهی دیگر چه حکمت باید به کار ببرد؟

– چون اقتضای مذهب دیوان و مصلحت این دستگاه اسلام پناه این است که اهل ایران بزرگ و کوچک از شدت پریشانی به جز پرستش اولیای دیوان حالت هیچ تعقل دیگر نداشته باشند.

لهذا باید کفایت وزیر اعظم، اعتبار و سکه دولت و لوازم  
زراعت و جمیع اصول معاملات را طوری مغشوش بکنند، که عامه  
ولایات ایران خراب تر از هر قبرستان ممالک خارجه، و کل تجار  
ایران به قدر یک یهودی دهات فرنگستان سرمایه نداشته باشد.

در زیربیدق این دولت رعیت نواز، تکلیف اهل نظام چیست؟

— در دول کفر تکلیف اهل نظام این است، که بروند در مقابل  
خارجه، حقوق و حدود ملت را حفظ نمایند. ولیکن در ممالک  
ایران ماء موریت اهل نظام این است، که در همه سرحدات از  
مقابل هر دشمن فرار بکنند و از برای اثبات جلادت خود، در  
داخله مملکت، به یک اشاره انگشت مبارک، زن و بچه و زندگی  
برادران مسلم خود را بدون سوءال و جواب، به اشد شقاوت آتش  
بزنند.

در میان مفاخر این خدمات شایسته، قسمت ماء مورین دولت  
در ممالک خارجه چه خواهد بود؟

— ماء مورین دولت به محض پوشیدن خلعت رذالت باید التزام  
بدهند، که در هر جا یک ایرانی صاحب مایه سراغ نمایند، او  
را یک دقیقه آسوده نگذارند، تا اینکه به هر وسیله که ممکن شود،  
هست و نیست او را غارت بکنند، و بدون تخلف قسمت اولیای  
ظلمت ایران را هر چه زودتر تقدیم حضور باهر النور نمایند.



باید مخصوصاً " منتهای مواظبت را به عمل بیاورند ، که هیچ ایرانی نه از اتفاق ، نه از عدالت ، نه از قانون ، نه از آدمیت ، به هیچ وجه بوئی نشنود ، زیرا که اقتضای دین دیوان این است ، که مسلمانان ایران به جز پرستش راءى این دستگاه حکمت پناه هیچ آرزوی دیگر نداشته باشد .

و آن مآء مورین معالی صفات که خود را از روی حقیقت مستعد منتهای رذالت می بینند ، باید بدون خجالت خود را عاشق مخصوص وزیر اعظم قرار بدهند . و با هر پوسته به آیه و قسم ثابت بکنند ، که همه ء وزرای دنیا متحیر مانده اند . که ذات صدارت پناهی این همه نجابت و کفایت را به چه کرامت در یک خورجین آبداری \* \* جمع فرموده است .

راءى انور این صدارت عظمی در مقابل سفرای دول خارجه باید مصدر چه نوع کرامت دیگر باشد ؟

— مسئله خیلی روشن است .

باید از املاک و از حقوق ایران آنچه می خواهند ، فی الفور تسلیم آنها نماید .

باید همه ء آنها را به نشان و تعارف و به هر قسم تملق به طوری مشغول لغویات این ملک به سازد ، که هرگز در خیر این مظلومین بی نوایک کلمه حرف ترحم نزنند ، سهل است ، جمیع سفاهت ها و شقاوت ها ی این وضع شاه پسند را تصدیق و تمجید نمایند .

---

پست ، نامه بسی

\* \* . کبابه حاجی مرزا علی اصغر حار امر السلطان اتایک است ، که می گویند ارحصیر آندار خاه به رفیع صدارت عظمایی استبداد فحری برآمده بود ، او که از دشمن آشتی باید بیرونکار آزادی و آزادگان بود ، در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ هـ به دست عباس آما صراف تیریزی اعدام شد .

اجر چنان خدمات معظم چه خواهد بود؟

– حق سواری برالاغ سلطنت ایران .

علامت این حق کدام است ؟

– نشان اقدس .

این نشان را به چه سنده آن ذات اشرف دادند؟

– به سنداينکه يد قدرت او ، مهر و امضا و دستخط و فرمان ذات مقدس شاهنشاهی را در خارج و داخل مبدل فرموده است به آفتابه طهارت فرنگی .

در تکمیل شوکت چنان صدارت ، ایران را دیگر چه باید کرد؟

– باید مجتهدین و علما و فضلاي این ملت را به قدر قوه بدنام و تحقیر و ذلیل کرد .

چرا؟

– بعلت اینکه همه کفر می گویند .

## چه طور کفر می‌گویند؟

– می‌گویند این وزیر بی‌نظیر هیچ حق ندارد، که مال و جان مسلمانان را جزو میراث اجداد خود قرار بدهند .  
می‌گویند این دستگاه موافق شرع اسلام غاصب و ظالم است .  
می‌گویند هیچ‌جانور دولتی ، اصلاً "حق ندارد که به میل خود یک موئی از سر مسلمانان کم بکند .  
می‌گویند آن دستگاهی که بدون قانون خدا مردم را حبس بکند و مالشان را به زور بگیرد ، آن دستگاه مخرب دین و دشمن خداست .  
می‌گویند آن دولتی که موجب نوکر را بخورد ، و جمیع حقوق امت را به فروشد و علمای اسلام را در به در بکند ، و بیت‌المال مسلمانان را به میل ملیجک‌های خود اسباب رسوائی ملت بسازد ، آن دولت دزد و خائن و شقی و ملعون خدا است .  
می‌گویند هر کس که به چنان جانواران ملت کش خدمت یا تقویت یا تملق بکند ، او نامرد و نامسلمان و خائن ملت و مستوجب عذاب الیم است .

از برای دفع شر این علمای نمک به حرام چه باید کرد؟

– تدبیر منحصر است .  
باید عموم اهل دربخانه را به وعدهٔ موجب و به زور میر غضب ، بی‌غیرت‌تر از هر جنده و بی‌حس‌تر از هر حیوان ساخت .  
باید طوری کرد که هر یک از آنها به جهت قبول هر قسم قرمساقتی جرات شیر داشته باشد و از او همهٔ قطع موجب مثل سگلاس بلرزد .

باید درجهء دنائت اینها را به مقامی رساند، که وقتی میل- مبارک شاهنشاهی، یک نقاره‌چی را مالک‌الرقاب ایران قرا بدهد، کل بزرگان، خواه‌شاهزاده، خواه‌ملا، خواه‌وزیر، خواه‌امیر، هر صبح و شام بروند، در آستان جلالت او، فضلہء آن ذات‌اشرف‌راحنای ریش‌افتخار خود بسازند.

در میان این همه شوکت دربخانهء شاهنشاهی، تکلیف‌خود شاه چه باید باشد؟

– دقایق آن در فصل دیگر بیان خواهد شد. نکته‌ای که در هر فصل باید بر عهدهء ملوکانه مقرر باشد این است که به فغان مردم و به هیچ یک از ناله‌های قلب ایران ابداً "گوش ندهد؛ و حمیع اصول این وضع مبارک‌را از برای افتخار سلطنت قاچاریه (....) تا آخر خوب محکم نگاه بدارد.

در چند کلمه، مختصر، اما نه مفید، از "ملکم" یاد می‌کنیم؛  
تفصیل حیات و تحلیل آثار او را، موکول می‌کنیم به وقتی  
که مجموعه آثارش را برای چاپ آماده کرده باشیم.  
اینجا، قصد، پرداختن به "ملکم" اصول مذهب دیوانیان است.  
میرزا ملکم خان ناظم الدوله، فرزند میرزا یعقوب نویسندهٔ  
رسالهٔ "افزایش ثروت" در سال ۱۲۴۹ هـ ق به دنیا آمد.  
ده ساله بود، که برای تحصیل به پاریس رفت. پس از بازگشت  
به ایران، مدتی مترجم دولت شد. در مدرسه دارالفنون نیز  
چندی به تدریس و ترجمه رسالات معلمان خارجی اشتغال  
داشت.

یک‌چندهم به مناصب دولتی مشغول بود. اولین خط سیم تلگراف در ایران را، او احداث کرد. نیز بنیاد گزاردن فراموشخانه از کارهای اوست.

روزنامهٔ قانون را، درست‌تیزبا دستگاه استبداد قجر، درچیدو رسالات متعددی در انتقاد از مفاسد دستگاه اداری و انحطاط اخلاقی دولتیان و برشمردن اصول آزادی و حقوق انسانی به تحریر آورد.

او در مرام و مشی سیاسی اما، بی‌طرف و بی‌رنگ نبود. مربوط و جانبدار بود.

پاسدارانه از انگلیس یاد می‌کرد. منفعت‌نگرو خودپیما بود. نهایت، چند کارهای بودبی‌نظیر. سیاسی نویسی بی‌باک و طنزآور و پرده‌در، سیاسیدانی محیط و کارکشته، جامعه‌شناسی آگاه و چالاک، نویسندگی ساده پرداز و مبتکر، منتقدی تیززبان و گستاخ، اما پول‌دوست و ثروت‌پرست، نگران منال و جاه. و خلاصه چشمه‌ای در کویر شکفته، که ملح و ناصافی، زلالیش را مکدر می‌داشت.

او ابرجسته‌ترین جامعه‌شناس و نقاد اجتماعی ایران در قرن نوزدهم، و اولین متفکری دانسته‌اند که در مسایل مربوط به اصلاح و ترقی جامعه ایران طبق اسلوب منظم علمی تحقیق و مطالعه کرده و دربارهٔ تمام مسایل عمده و مشکلات اصلی-اجتماعی ایران، از مسئلهٔ آزادی و فلسفه حکومت‌گرفته‌تا موضوع اصلاح خط و تقسیم املاک دولتی میان روستائیان، و حتی لزوم منسوخ کردن تعدد زوجات سخن گفته‌است.

تقریباً "همه رساله‌های او به این مسایل اصلی می‌انجامد: اخذ  
تمدن اروپائی، تأمین آزادی، استقرار حکومت قانون و اصلاح  
آئین حکومت. \*

ملکم در سال ۱۳۲۶ ه. ق به س هفتاد و هفت سالگی، آخرین  
دم را در سوئیس باز دمید.

---

\* رجوع شود به فکر آزادی، ص ۱-۱۰۰، فریدون آدمیت.

این جدلنامه از مجلدی استنساخ شد، که افزون بر "اصول مذهب دیوانیان" رسالات "اصول تمدن"، "حرف غریب"، "رساله غیبیه"، "رفیق و وزیر"، "شیخ و وزیر"، "پولتیک‌های دولتی"، "تنظیم لشکرو مجلس اداره"، "سیاحی گوید"، "توفیق امانت - جزو اول"، "جزو ثانی"، "اصول آدمیت" را شامل است.

و در تاریخ ۲ جمادى الاخر ۱۳۲۵ هـ ق به اقدام "هاشم ربیع زاده" در مطبعه مبارکه مجلس به طبع رسیده.

"ف آدمیت" این مقاله را در کتاب "فکر آزادی... " آورده است، از صفحه ۱۷۱ تا ۱۷۴، و می نویسد: "متن آن از نسخه موجود در مدارک جامع آدمیت آورده می شود" جزیک دو مورد که بیشتر به غفلت چاپی نزدیکتر است تا چیز دیگر، تنها اختلافی که بین مجلد "ربیع زاده" و کتاب آدمیت به چشم آمد، کلهء "پست" است که "ربیع زاده" "پسته" ضبط کرده، و آدمیت با قراردادن در میان گیومه "پسته".

\* \* \*



## ملکم اصول مذهب دیوانیان

در اصول مذهب دیوانیان با ملکم پرده دروگستاخ، که تیغ آخته، انتقادش بی باکانه بر فرق سرهیات حاکمه دستگاه استبداد سیاه قَجَر فرود می آید، روبه روئیم.

اواز ماهیت حقیقی نظام مستبد شاهنشاهی که هنری جز "فقیرتر و ذلیل تر و خراب تر" کردن ایران "از هر نقطه روی زمین" ندارد، سخن می گوید.

از خصلت ذاتی آن نظام که برکشیدن نالایقان که "دشمن معرفت و مروج سنتهای قرمساقی" اند به "مناصب" عالی برای "حراج" کل حقوق ملت به "هر قسم شقاوت"، پرده برمی دارد. از فضایل آن نظام، یعنی از "بدنام و منکوب" کردن "آنچه آدم آبرومند و صاحب شعور" و "غارت و ایلغار" هر بدبختیکه یک پارچه ملک یا جزئی اعتباری داشته باشد" و "از هیچ فضاحی در خارجه، و از هیچ رسوائی داخله ابد" باکی نداشته باشد" سخن می گوید.

ملکم اصول مذهب دیوانیان، که ملکمی آشتی ناپذیر و سبهداست، به درستی به افشای نظامی می پردازد که "جمعیت سفاهت‌ها و شقاوت‌ها"، را در "منتهای رذالت" داراست.

عکرمنا

قیمت : ۱۵ ریال

شماره ثبت : ۲۱۱